سعي

محمود محمدي عراقي

توضيحي به جاي مقاله

{وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجالاً وَعَلي‏ كُلِّ ضامِرٍ يَأْتينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَميق‏} (27: حج)

{لِيَشْهَدُوا مَنافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ في‏ أَيَّامٍ مَعْلُومات‏...} (28: حج)

{إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللهَ شاكِرٌ عَليمٌ} (158: بقره)

كساني­كه در سال 1386 هـ­ . ش. (ذيحجه سال 1428 هـ­ . ق.) براي زيارت خانة خدا به مكة مكرمه مشرف شدند، ملاحظه كردند كه عمليات ساختماني بخشي از محل سعي (ميان صفا و مروه) تقريباً به پايان رسيده و بخش جديدي به محل ميان صفا و مروه، در قسمت هم كف افزوده شده است. اين قسمت كه در حج سال جاري افتتاح شد و مورد بهره برداري قرار گرفت، در حقيقت افزوده­اي جديد است به عرض مسعي.

شکي نيست که تغيير و تحولات جديد در مشاعر، به جهت كثرت روز افزون حاجيان انجام مي­شود. از جملة افزوده­ها، طبقات مسجدالحرام در محل طواف و نيز تغييرات اخير در چند طبقه كردن محل رمي جمرات است كه از جهت بحث­هاي فقهي، گفتگوها و مباحثات فراواني را برانگيخته و فتاواي گوناگوني در جواز و عدم جواز از سوي فقهاي مذاهب اسلامي صادر گرديده است.

طبيعي است كه توسعة مسعي نيز از جهت انطباق با موازين شرعي بحث‌ها و پرسش­هاي جديدي در محافل و مدارس فقه اسلامي برانگخته و پژوهش­هايي را سبب گرديده است.

با توجه به اهميت موضوع از نظر مباني فقهي و احكام شرعي، لازم است صاحب­نظران در همة كشورهاي اسلامي، در اين باب بررسي­هاي كارشناسي لازم را انجام دهند تا فقها و مجتهدان و صاحبان فتوي رأي نهايي را صادر كنند.

در ايران، تا آنجا كه نگارنده آگاهي دارم تاكنون پژوهشي علمي در خصوص اين موضوع صورت نگرفته است، لذا تقاضا مي­شود پژوهشگران فقه، به خصوص در حوزة علميه، با دقت نظر و ارسال نظريات، انتقادات و پيشنهادهاي خود، بر ما منّت گذارند.

توسعه مسعي

(گسترش جديد در محل سعي ميان صفا و مروه)

با حمد و ستايش خداوند و درود و سلام بر سرور كائنات، پيامبر رحمت، حضرت محمد مصطفي و آل و اصحابش.

در سال­هاي اخير، تعداد زائران و حجاج بيت الله الحرام از رقم دو ميليون گذشته و انتظار مي­رود در آينده اين آمار به نزديک 10 ميليون هم برسد. علت اين افزايش، از يكسو رشد جمعيت مسلمان در تمام كشورهاي اسلامي و اشتياق بسياري از آنان به انجام مناسك حج، به عنوان ركن پنجم از اركان اسلام مي­باشد.

چه بسا نعمت امنيت و آرامش، افزايش خدمات رفاهي در عربستان، نسبت به حجاج ـ كه در گذشته وجود نداشته‌ـ و توجه خاص در سطح حكومت و مردم به اين امر، در اين رويكرد و ايجاد رغبت بيشتر مؤثر بوده است. افزون بر آن‌كه امروزه هزينه­هاي سفر حج با كمترين نرخ، در دسترس بسياري قرار گرفته است.(1)

اين وضعيت ايجاب مي­كند مسؤولان عربستان در پي ايجاد راه حل­هاي شرعي براي توسعة مشاعر و محل­هاي انجام مناسك حج، كه محروميت مكاني و زماني دارند، برآيند تا گنجايش اين تعداد عظيم از حجاج و زائران را داشته باشد و بتواند پاسخ نيازها و مشكلات آن­ها را بدهد.

از جملة اين مشاعر، كه سخت دچار تنگنا و ضيق مكان گرديده، مشعر مسعي با دورهاي متعدد آن است. به خصوص با توجه به اين­که اجراي طرح توسعه و تحول در محل رمي جمرات، بعد از حجّ سال 1426هـ . ق. آغاز گرديد و روشن است كه (با تسهيل رمي جمرات) انبوه حجاج با تعداد كثير، پس از انجام رمي، يكباره همگي راهيِ مسجدالحرام مي شوند تا اعمال طواف و سعي خود را به جا آورند و از احرام خارج شوند.

از اين­رو مطالعه و نگاه علمي منطبق بر ديدگاه شرعي و مبتني بر قواعد عرفي و براساس رعايت مصالح و دفع مفاسد، اين موضوع بسيار اهميت يافته است.

نظرية فقهي و ديني، براساس شريعت اسلامي در موضوع توسعة مشعر مسعي و حكم به جواز يا عدم جواز آن، متوقف بر شناخت عناصر زير است:

1. تعريف دقيق مفهوم صفا و مروه و مراد از آن دو.

2. بررسي محيط طبيعي و جغرافيايي منطقة صفا و مروه و تغييراتي كه در گذشته در آن‌ها به وجود آمده است.

3. شناخت تحوّلات تاريخي که مشعر در طول تاريخ با آن روبه رو بوده است.

4. بررسي مستندات و متون فقهي در خصوص حدود مسعي و آنچه بايد در اداي عمل واجب سعي انجام گيرد.

در پرتو شناخت اين عناصر، مي­توان به حكم شرعي درست در مورد جواز توسعة مسعي از جهت عرضي يا عدم جواز آن، بر حسب نتايج بحث استدلالي دست يافت.

عنصر اول: تعريف و تبيين معناي صفا و مروه

ابتدا ببينيم مراد از دو واژة "صفا» و "مروه» در سياق آية شريفه و احاديث نبوي در مورد شعيرة سعي در حج و عمره چيست؟ (شعير مفرد شعائر، به معناي علامت و نشانه است). اما در قرآن كريم، در سوره بقره، آيه 158 مي­خوانيم:

{إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلا جُناحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِما وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَإِنَّ اللهَ شاكِرٌ عَليمٌ}.

"براستي كه صفا و مروه از شعائر و نشانه­هاي خداوند است. پس هر كس براي حج يا عمره به زيارت خانة خدا رود، مي­تواند (بر او روا باشد) كه بر آن دو بگردد، (يا ميان صفا و مروه سعي كند) زيرا خداوند نسبت به هر آن­كس كه...»

قرطبي در تفسير خود، در خصوص صفا و مروه مي گويد: واژة "صفا» در لغت عرب به معناي سنگ صاف است و در اين آيه منظور كوه صفا در مكه است كه معروف و شناخته شده مي­باشد؛ مانند "مروه» که آن­هم نام كوهي معروف است.(2)

در كتب و منابع لغت نيز، چنانكه علاّمه مرتضي زبيدي گفته، در شرح واژة "صفا» اينگونه آمده است:

"صفا»؛ يكي از مشاعر مكه (شرّفهاالله تعالي) است. كوهي كوچك به صورت دماغه­اي از كوه ابوقبيس. آية شريفة (إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ...) دربارة همين كوه است. بر فراز اين كوه، خانه­اي وسيع بنا شده است. مؤلف با همين كلمه كتابش را به پايان برده است.(3)

"مروه» (= بهاء، درخشندگي)؛ كوهي است در مكه كه نام آن همراه با كوه صفا برده مي­شود. خداوند در كتاب عزيز، از آن­دو، نام برده است؛ (إِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعائِرِ اللهِ...).

اصمعي، لغوي معروف مي گويد: علت نامگذاري مروه به اين نام، برّاق و درخشان بودن سنگ آن است( 4 )

فقيه و مورّخ، قاضي تقي الدين فاسي مي نويسد: صفا همان نقطة آغاز سعي است و آن در اصل، از كوه ابوقبيس است بنابر آنچه بسياري از علما نوشته‌اند؛ از جمله ابوعبيد بكري و همچنين نووي همان را گفته­اند.

"صفا» موضع مرتفعي است از كوه كه داراي پله­هاي متعدد است و در آن، سه بند وجود دارد كه پله­ها در بالاي بندها و پايين بندها قرار دارد؛ پله­هايي كه از بند اول به سوي بند دوم بالا مي رود، سه پله است كه در وسط آن بندها قرار مي­گيرد و زير بندها نيز يك پله است و زير آن سنگ فرش بزرگي است كه در پي آن سه پله قرار دارد و سپس سنگ فرشي مانند سنگ فرش قبلي است كه به زمين متصل است، چه بسا كه خاك بر روي آن ريخته و زير خاك پنهان شده است....(5)

همچنين علامة فقيه، شيخ عبدالفتاح بن حسين مكي كه از علماي مكة مكرمه بوده و شناخت كاملي نسبت به محلات و كوه­هاي مكه دارد، در تعريف اين دو كوه (صفا و مروه) مي گويد:

"صفا»؛ كوهي است كه در دامنة شيب دار كوه ابوقبيس قرار دارد ...

لعلع كوهي است كه مروه در دامنة آن قرار دارد و محلة قراره و خيابان فلق و آغاز محلة نقاء بر بالاي آن قرار گرفته است.

... و كوه لعلع، قسمتي از دامنة كوه قعيقعان است كه در كنف و ظلّ آن قرار گرفته، همانطور كه كوه صفا نسبت به ابوقبيس همين حالت را دارد ...(6)

عنصر دوم: جغرافياي طبيعي صفا و مروه و تغييراتي كه در طول تاريخ در آنها رخ داده است:

در طول تاريخ، تغييرات فراواني مانند شكستگي و بريدگي و زايل گرديدن، در تمام جوانب اين دو كوه رخ داده است و در گذشته و اكنون نيز خانه­ها و حتي كاخ­هاي بلند فراز بر آن­ها ساخته شده است كه اين اقدامات باعث كاهش مساحت فضايي آن­ها از تمام جهات، به خصوص از دو سوي شرقي و غربي گرديده است؛ به طوري كه صفا و مروه در ميان بناهاي بزرگي كه از سه جهت آن­ها را احاطه كرده، محدود و كوچك و خلاصه شده است. چنانكه در تصويرهاي قديمي ديده مي شود.

بر فراز كوه صفا سه قوس مانند تاج علامتگذاري شده و كوه مروه با يك قوس بزرگ و ممتد از طرف شرق تا منتهي اليه غربي، نشانه گذاري گرديده است. در طول تاريخ اسلام، خلفا همواره تأكيد داشته­اند كه اين علايم و حدود محفوظ بمانند و آن­ها را با ساختن بناهايي احاطه مي­كردند كه نسبت به آنچه از فضاي آن­ها باقي مانده تعدي صورت نگيرد ... تاريخ نگاران به تفصيل از اين اقدامات و بناها نوشته­اند.(7)

اقدامات عمراني در دوران سعودي، در خصوص كوه صفا، با جدا كردن و بريدن آن از اصل خود؛ يعني كوه ابوقبيس مشخص گرديد و تنها برخي از صخره­هاي آن در منتهي اليه كوه باقي مانده كه به عنوان علامتي از مشعر صفا نگه‌داشته شده است ( زيرا صفا يكي از مشاعر الهي است). همچنين نسبت به كوه مروه از اصل خود همين جدايي انجام شده، جز آن كه وجود و سطح مختلف (يا دو راه غير همسطح) به سوي حرم شريف در طرف مروه سبب احداث دو مدخل شده است: مدخلي در بالا، براي عبور از فوق، كه آن مدخل مساوي با ارتفاع كوه مروه است در طرف بالا كه سوي محله قراره مي رود و مدخل ديگر در پايين براي اتصال مروه به اصل خود كه كوه قعيقعان است، بطور روشن باقي مانده كه به محلة "مُدّعي» منتهي مي­شود. بدين ترتيب كوه مروه نيز از قطع و شكستگي سنگ­ها و خلاصه و كوچك شدن از سه جانب فوقاني، شرقي و غربي بي نصيب نمانده است.

عنصر سوم: تحوّلات تاريخي در مشعر مسعي

در تاريخ "ابي وليد محمد بن عبدالله ازرقي»، در مورد تحوّلات تاريخي مشعر مسعي، فصلي آمده است با عنوان: "ذكر زيادة المهدي الآخرة في شق الوادي من المسجد الحرام»: آخرين افزايش مهدي (عباسي).

"... در گذشته جايگاه سعي (مسعي) در محل مسجدالحرام کنوني قرار داشت و درِِ خانة

"محمد ابن عباد بن جعفر» كه امروز در محل حدّ ركن مسجدالحرام قرار دارد، در كنار محل منارة بنا شده در گلوگاه وادي (درّه) قرار داشت كه نشانه مسعي در آن است و در آن روزگار وادي (درّه) از پايين مناره مي گذشت كه محل فعلي مسجدالحرام را تشكيل مي­دهد...» ( 8 )

همچنين ابو وليد ازرقي تحت عنوان: "بحث اندازه گيري فاصله ركن اسود تا صفا و اندازه گيري فاصله مابين صفا و مروه» مي گويد:

"فاصله ميان علامتي كه بر باب مسجد است تا علامتي كه محاذي آن بر باب خانة عباس بن عبدالمطّلب قرار دارد و بين آن دو علامت عرض مسعي قرار گرفته، 5/35 ذراع (سي و پنج و نيم ذراع) است و فاصلة نشانه­اي كه بر باب خانة عباس است تا نشانه­اي كه در كنار خانة ابن عباد قرار دارد، و آن محاذي نشانه­اي­است كه در حدّ مناره مسجد است و بين آن دو وادي (مسجدالحرام) واقع شده، 121 ذراع است.» ( 9 )

فقيه مورخ، قطب الدين محمد بن احمد حنفي مكي (متوفاي سال 988 هـ­ .ق.) بر آنچه فقهاي تاريخدانِ پيش از او؛ يعني ازرقي و فاكهي و فاسي (ت سال 833 هـ­ .ق.) و ديگران ذكر كرده­اند صحّه مي­گذارد و آنچه قبل از او (در اين مشعر) ايجاد گرديده و در زمان او به صورت واقعيتي ثابت و پابرجا در آمده، تأييد مي كند و مي گويد:

"در گذشته محل سعي (مسعي) در محل فعلي مسجدالحرام بوده است و درِ خانة محمد بن

عباس بن جعفر عبادي در كنار ركن فعلي مسجدالحرام، در كنار موضع مناره ساخته شدة در گلوگاه وادي واقع در مسجدالحرام كنوني است؛ سپس قسمت عمدة خانة محمد بن عباد بن جعفر عبادي را تخريب و مسعي و وادي (قديم) را در آن قرار دادند. عرضِ آن وادي (در آن زمان) از ميلة سبز چسبيده به مئذنه­اي كه در ركن شرقي قرار داشت، آغاز مي شد و شكل وادي به صورت مستطيلي تا پايين مسجدالحرام ادامه داشت، كه اكنون محل جريان سيل است و كاملاً متصل به ديوارهاي مسجد بوده است و در حال حاضر در دل مسجدالحرام از جانب ركن يماني قرار گرفته است.» ( 10 )

نيازي نيست بيش از اين در زمينة مسائل تاريخي صحبت و اطالة كلام شود؛ زيرا جناب دكتر عبدالعزيز بن محمد بن عبدالمنعم، در بحث ارزشمند خود كه به شوراي هيئت كبار العلما، تحت عنوان "مسعي و تحقيقات تاريخي» تقديم نموده، حق مطلب را ادا كرده و ما را از بحث بيشتر بي نياز نموده است.

اما قسمت چهارم بحث كه مربوط به متون فقهي در خصوص حدود مسعي و تجديد و تعيين دقيق مسافتي است كه براي انجام مناسك و اداي وظيفه سعي بايد طي شود، در دنباله مقاله در شماره آينده خواهد آمد، ان شاءالله.

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

پي نوشت‌ها

1 . البته هنوز ميليونها مسلمان مشتاق به دلايل مختلف؛ از جمله فقر و نداري، از سفر به خانة خدا محروم­اند و به نظر ما رقم 2 يا 3 ميليون نسبت به جمعيت 5/1 ميلياردي مسلمانان، بسيار اندک است.

2 . "الجامع الاحكام القرآن، ج 1، ص 179).

3 . تاج العروس، مادة "صفو».

4 . تاج العروس، مادة "مرو».

5 . (شفاءالغرام باخبار البلد الحرام، ج1، ص279).

6 . الافصاح علي مسائل الايضاح علي مذاهب الاربعه، (صص191، 252).

7 . ر.ک. به: فاسي، شفاءالغرام، ج1، ص299

8 . اخبار مكه و ما جاء فيها من الآثار (اخبار مكه و آثار آن) ج 2، ص 79، و همچنين نگاه كنيد به: فاكهي، اخبار مكه في قديم الدهر و حديثه، ج 2، ص 170

9 . ازرقي، اخبار مکه، ج2، ص119

10 . تاريخ قطبي، كه به نام كتاب "الاعلام بأعلام بيت الله الحرام در تاريخ مكة مشرفه» نامگذاري شده است. ص98